

میدان معنایی «امت» در قرآن و نقش آن در تمدن اسلامی

امیر بنی عصار*

۱۰۳

قرآن پژوهی

چکیده

ماهیت جامعه و فرایند رشد آن از دیرباز محل گفتگوی محافل علمی بوده و هست. تحلیل آیات قرآن و کشف روابط معنایی «امت»، نه تنها در کشف حقیقت جامعه دینی مؤثر است که در پژوهش‌های تمدن‌ساز و حرکت در مسیر تحقق فرمایشات رهبر معظم انقلاب راجع به آخرین و جامع‌ترین مرحله از فرایند انقلاب یعنی «ایجاد امت اسلامی» زوایای متعددی را روشن خواهد ساخت. پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از ضوابط معناشناختی و روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از الگوی دستگاه معنایی، به تحلیل واژه «امت» پرداخته و با بررسی هم‌نشین‌ها و جانشین‌ها و مقابله‌های مفهومی واژه «امت» تلاش کرده تا نشان دهد در مسیر تمدن‌سازی، ضمن اصلاح روابط میان افراد، مصداق «امت» از مقوله جمعیتی و قومی به یک مقوله فرهنگی حول محور دین تغییر و توسعه یافته و «امام» را در مرجعیت فرهنگی، محور حرکت تمدنی قرار داده است و با حضور این عنصر، تقابل امت حق و باطل را شکل داده و آثار مربوط به حقیقت جامعه را بر آن مرتب خواهد ساخت.

واژگان کلیدی: میدان معنایی، امت، جامعه، تمدن اسلامی.

توجه به ماهیت اجتماعی آموزه‌های قرآنی و تأثیر آنها در زندگی مسلمین از جمله اموری است که نیازمند پژوهش‌های نظام‌مند و ژرف است. شاکله اجتماعی شریعت وقتی در کنار کثرت برداشت‌های فردی از دین قرار گیرد، تناقضاتی را به بار می‌آورد که بدون رفع آنها، رسیدن به اهداف والای جامعه دینی با مشکل جدی روبه‌رو خواهد شد. یکی از آموزه‌های محوری قرآن، ضرورت تحقق جامعه دینی (امت) است. پژوهش پیش رو بنا بر تحلیلی، میان‌رشته‌ای نبوده و صرفاً کاری قرآنی می‌باشد. آسیبی که در برخی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای وجود دارد این است که برای علم دایره محدودی ترسیم کرده تا مخاطب قرآن را خارج از آن محدوده تلقی نماید. به‌طور مثال در برخی پژوهش‌های جامعه‌شناسی آمده است: «با توجه به تحول مکاتب و کیفیت پیدایش و گسترش آنها، چهار نظریه مهم یعنی مثبت‌گرایی، تطورگرایی، ساخت‌گرایی و کارکردگرایی به‌عنوان محورهای اصلی تکوین نظریه‌های جامعه‌شناسی شناخته می‌شوند؛ مثبت‌گرایی به‌عنوان یک جنبش فلسفی بزرگ منسوب به «اگوست کنت» است؛ نظریه تطورگرایی (داروین‌یسم) توسط «آناگزیماندر» در قرن پنجم قبل از میلاد به‌صورت مباحثی از جمله «تنازع بقا» و «انتخاب اصلح» مطرح شده بود و در قرون وسطی «سنت اگوستین» معتقد به تکامل جهان تحت اراده الهی بوده و در قرن ۱۸ «بوفون» و «کانت» از نخستین کسانی هستند که درباره تحول و دگرگونی درازمدت جهان فیزیکی و دور و درازبودن آغاز خلقت و انسان تذکر داده‌اند و در آخر هم در سال ۱۸۰۹ «دولامارک» نخستین کسی است که نظریه منسجمی برای تکامل مطرح کرد؛ راجع به نظریه ساخت‌گرایی، نخستین بار «امیل دوریکم» از ساخت ریخت‌شناسی گروه سخن می‌گوید و در نهایت ساخت‌گرایی که به‌عنوان نظریه جا افتاده در جامعه‌شناسی قرن بیستم، به حیات خود ادامه داد و رسمیت یافت و از اندیشه تمامی بنیان‌گذاران تفکر اجتماعی مغرب زمین بهره گرفت و نظریه جامع معرفی شد؛ این نظریه را می‌توان به «اسپنسر» و «دوریکم» نسبت داد» (توسلی، غلامحسین، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۰۰). چنان‌که ملاحظه می‌شود دین و قرآن در ارائه نظریات جامعه‌شناسی جایی در این فرایند ندارد. پژوهش حاضر، فارغ از هرگونه داوری راجع به نظریات جامعه‌شناسی، برای پیاده‌سازی روش صحیح در تحقیقات جدید، ابتدا سراغ قرآن رفته و فارغ از هر پیش‌داوری، میدان معنایی و نظام فکری قرآنی را در موضوع جامعه به‌دست می‌آورد. هرچند بررسی چنین موضوعی سابقه زیادی دارد اما تحقیق پیش رو هم از حیث روش یعنی به‌کارگیری اصول معناشناختی در میدان‌های معنایی و هم از حیث محتوا و سیر حرکت از روابط قومی تا تمدن بزرگ اسلامی حول محور امام جامعه که از کشف روابط

آیات به ظاهر پراکنده به دست می‌آید، با تمام فعالیت‌های پیشین متفاوت است. نتیجه چنین پژوهشی بی‌ارتباط با محتوای دانش‌های جدید نبوده و می‌تواند شروع یک تحقیق میان‌رشته‌ای باشد تا بدون تحمیل نظر علوم بشری به قرآن، امکان تحلیل‌های آزاد فراهم گردد.

رهزن بودن مفهوم جامعه و برداشت‌های محدود از آن نشان می‌دهد، عنوان جامعه مطلوب قرآن نبوده و خداوند به جای آن از تعبیر «امت» استفاده کرده است. از این رو مقام معظم رهبری (حفظه الله)، در فرایند انقلاب، تحقق جامعه اسلامی را هدف نهایی معرفی نکرده و یک مرحله قبل از امت اسلامی دانسته‌اند: «یک زنجیره منطقی وجود دارد. (در این زنجیره) حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی، سپس تشکیل دولت اسلامی، بعد تشکیل جامعه اسلامی و در پایان تشکیل امت اسلامی است. این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط می‌باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰: بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه). تحلیل میدان معنایی امت در قرآن، اهمیت این جملات حکیمانه را بیش از پیش روشن خواهد ساخت. از آنجا که مطالعه علمی این نوشته بر اساس بخشی از قواعد معناشناختی به نام میدان معنایی است مناسب است به صورت مختصر ضمن اشاره به چستی این قواعد، ارتباط آن با قرآن روشن گردد.

الف. میدان معنایی

دانش‌های اسلامی همگی حول محور قرآن و سنت و علوم حاصل از آنها شکل می‌گیرند. محوریت قرآن در دانش‌های اسلامی به معنای تلاش متصدیان آنها برای فهم بهتر و به‌کارگیری قرآن است. مطالعات زبان‌شناختی و خصوصاً علم معناشناسی، ابزاری هستند که می‌توان از آنها در جهت فهم بهتر و نزدیکتر به مقصود شارع در قرآن کریم بهره برد. دانشمندان اسلامی از اولین کسانی هستند که قواعد و ضوابط زبانی را پایه‌گذاری کرده و علوم هم‌چون صرف، نحو، لغت، بدیع، معانی، بیان و... را به صورت علم و دانش مستقل درآوردند. در غرب نیز نخستین مرحله تاریخ معناشناسی واژگانی به حدود سال‌های ۱۸۳۰ تا ۱۹۳۰ میلادی باز می‌گردد، مختصه بارز این مرحله را می‌توان توجه به مطالعات تاریخی در باب معنای واژه‌ها دانست (صفوی، ۱۳۹۳: ۳۱) در اوایل قرن بیستم در مقابل رویکرد تاریخی لغوی، نظریه میدان‌های معنایی مطرح شد. در میان دانشمندان این رویکرد جدید، «فردیناند سوسور» ضرورت یک رویکرد هم‌زمانی را شناخت و «توشیهیکو ایزوتسو» در مطالعات قرآنی بیشترین بهره را از تحلیل حوزه معناشناختی برد. در این رویکرد او پیشنهاد می‌کند که بهترین روش برای توصیف معناشناختی یک واژه خاص این است که پرسیده شود «چه

ویژگی‌هایی برای محیط لازم است تا واژه برای معرفی واقعه خاص به صورت درست به کار رود؟» و ما تنها با تلاش برای پاسخ گفتن به چنین پرسشی می‌توانیم به معنای درست یک واژه معین پی ببریم. «ایزوتسو» این روش را در فهم قرآن و برخی متون کلامی و فلسفی به کار برد (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۵۳) و پژوهش پیش رو در نظر دارد تا ضمن تبیین چگونگی استفاده از این الگو در معارف قرآنی، برای تحلیل میدان معنایی «أمت» از آن بهره گرفته و در چارچوب ضوابط قرآنی نتایج لازم را به دست آورد.

ب. چگونگی بهره‌گیری از میدان معنایی در پژوهش‌های قرآنی

نظریه میدان‌های معنایی یکی از نظریه‌های کارکردگرایانه در معناست که نه مثل رویکرد ذات‌گرایانه، منکر تغییر معنا بر اساس تغییر قرآن است تا به حالت سنتی در مراجعه به فرهنگ لغت ختم شود و نه مثل رویکرد زمینه‌ای هرگونه ثبات معنایی را نفی کرده و کاملاً نسبی و متناسب با ذهن مخاطب و با قطع نظر از متکلم به معنای واژه پردازد. این رویکرد را می‌توان «رویکرد کاربردی به معنا» دانست که معنا را مربوط به کارکردهای ویژه هر لغت و هر عبارت در آن زبان می‌داند. اساس بحث نظریه‌های کاربردی این است که معنا نسبی است اما باید معنا را درون متن فهمید و نه بیرون آن (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۶۶). از این رو تعیین معنا و گذر از معنای نسبی به معنایی ثابت، وقتی در یک موضوع قرآنی باشد باید در درون متن قرآن اتفاق بیافتد. این همان میدان معنایی یک واژه در سراسر قرآن است که هدف اصلی پژوهش پیش روست. نظریه میدان‌های معنایی به نوعی تابع تجزیه و تحلیلی است که ذهن انسان از واقعیت ارائه می‌دهد. این تجزیه و تحلیل در یک سیستم صورت می‌گیرد که معانی با یکدیگر ارتباط داشته و یک شبکه معنایی درست می‌کنند و «ایزوتسو» نام آن را «دستگاه معنایی» گذاشته است (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۲۲). از این رو در «میدان معنایی»، هر واژه خاص در متن زبانی خاص با گروه معنایی پیوند خورده و معنای آن در بافت خودش روشن خواهد شد (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۶۸). وقتی واژه‌ای در میدان معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد فقط به سیاق جمله یا جملات مشتمل بر آن واژه، بسنده نشده و تمامی واژه‌های جانشین و هم‌نشین و حتی متضادها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تهافت صدر و ذیل یک متن مانع اطمینان به نتایج پژوهش است اما اتقان متن و حیاتی قرآنی «لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا»

(نساء: ۸۲) انگیزه استقراء تام در سراسر این متن نورانی را بالا خواهد بُرد. توجه به استقراء تام قرائن مرتبط، به معنا ثبات و استقلال داده و از «نسبی شدن نتیجه» رها خواهد ساخت.

معنای پایه و نسبی: اولین گام در تحلیل میدان معنایی، مراجعه به کتاب لغت اصیل و کهن عرب است تا معنای پایه و نسبی را برای شروع کار به دست آورد؛ «معنای پایه تنها، نقطه آغاز کار معناشناسی است و نباید بر این پایه، معنای متن را تفسیر کرد. آن را باید به عنوان یک مفروض در مسیر کاربردهای زبانی واژه و نسبت میدان‌های معنایی کلمه در نظر داشت. بر این اساس از دیدگاه میدان‌های معنایی مراجعه به عصر نزول قرآن نادرست نیست اما نه برای کشف معنای متن، بلکه برای دستیابی به معنای پایه؛ تا بدانیم قرآن از کجا آغاز کرده نه اینکه قرآن چه گفته است» (نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۱۵). در واقع قرآن بر اساس معنای پایه که در عرب به کار رفته، شروع کرده و با تغییر هم‌نشین‌ها و جانشین‌های آن واژه، جهان‌بینی مورد نظر خداوند را به بشر ارائه کرده است.

بعد از یافتن معنای پایه، برای تحلیل و بررسی معنای نسبی وارد متن شده و با سه گونه واژه سروکار داریم: واژه‌های کانونی، کلیدی و فرعی. «کلمه کانونی از این دیدگاه کلماتی هستند که هر گاه یک متن را بررسی می‌کنیم می‌بینیم این کلمات محور بسیاری از واژه‌های دیگر قرار گرفته‌اند و واژه‌های دیگر متن در نسبت با آنها حضور پیدا کرده‌اند. کلمات کلیدی که در رتبه دوم قرار دارند، بسامد فراوانی داشته و ارتباطات زبان شناختی بسیاری با آنها برقرار می‌شود اما محوریت کلمات کانونی را ندارند. پاره‌ای از واژه‌ها نیز کاملاً فرعی هستند. آنها به لحاظ حجم کم بسامدند و کاملاً در حاشیه و در لایه‌های دورتر از مرکز میدان معنایی قرار دارند اما کمک می‌کنند تا معنای دیگر واژه‌ها به دست آید» (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۲۱). از مجموع واژه‌های هم‌نشین و جانشین و متقابل و یافتن روابط کلمات کلیدی و فرعی، می‌توان به نظامی هماهنگ در میدان معنایی واژه کانونی دست یافت. در پژوهش پیش رو «أمت» واژه کانونی بوده و تلاش شده تا میدان معنایی آن مشخص گردد.

ج. معنای پایه اُمت

واژه «أمت» اسم جمع از ریشه «أ م م» و به معنای «هر چیزی است که توابعش به آن ضمیمه و منتهی می‌شود» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۲۶/۸) که به طور خلاصه می‌توان از آن تعبیر به «رجوع به اصل» کرد. «رجوع به اصل» ارتکاز مورد قبول عرب و دارای بیشترین قابلیت توسعه معنایی در میدان معنایی اُمت است و همین دو دلیل می‌تواند موجب تعیین معنای پایه و پیش‌نمونه (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۲۹) باشد. مفاهیمی همچون قصد (فیروزآبادی، بی‌تا، ۷/۴) و «اصل، بازگشت، جماعت، راه یا

روش زندگی» (ابن فارس، بی تا، ۲۱/۱)؛ زمان (با اهل یک دوره زمانی) (جوهری، بی تا، ۱۸۶۴/۵) معانی مستعمل فیه همین ریشه بوده که در موارد بسیاری هم‌پوشانی دارند. از جمع میان قصد و جماعت، مفهوم «قصد جمعی» و از جمع میان «قصد جمعی» و «رجوع به اصل»، مفهوم «رجوع جمع به قصد اصل» به دست می‌آید. از این رو در اولین مرحله از دسته‌بندی استعمالات، باید سراغ مفهومی محسوس برای عرب یعنی «جماعتی که در امری مشترکند» رفت. همان طور که معمولاً رشد شناختی از مفاهیم محسوس و مورد تسالم شکل می‌گیرد، راغب در تحلیل قرآنی خود نشان داده که از معنای پایه «امت» برای شکل‌گیری جهان‌بینی توحیدی استفاده شده و این واژه برای «جماعتی که در روش زندگی یا زبان یا مکان مشترکند» به کار رفته است (راغب، ۱۴۱۲: ۸۶).

بهره‌گیری از این معنای اولیه، در آیه شریفه ﴿وَلَا آمِّينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ﴾ گروهی که قصد خانه خدا دارند (مانده: ۲) و نیز در آیه: ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِثْهَاجاً وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْدُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ (مانده: ۴۸) روشن است. با تعیین معنای پایه خواه با عنوان «رجوع به اصل» یا «قصد جمعی مشترک» نیاز به تعیین واژه کانونی برای کشف میدان معنایی مورد نظر است. در این میدان معنایی، «امت» محور بسیاری از واژه‌های دیگر قرار گرفته و می‌توان گفت همه آنها در نسبت با «امت» در این میدان، حضور پیدا کرده‌اند. امام و جمع آن یعنی «ائمه» اصلی‌ترین کلمات کلیدی بوده و از نظر شناختی، جهت خاصی به میدان معنای مذکور خواهند داد.

د. تحلیل صرفی و لغوی «امت»

مشتقات برگرفته از ریشه «أم م» در ۱۰۸ آیه از قرآن به کار رفته است. در میان این استعمالات، مواردی یافت می‌شود که با وجود ارتباط حداقلی با معنای پایه، از میدان معنایی «امت» و به تبع پژوهش پیش رو خارج هستند. از جمله این موارد، به استعمالات واژه «أُمُّ» به معنای مادر، در آیاتی همچون ﴿وَأُمَّهُ وَ آبِيهِ﴾ (عبس: ۳۵) و موارد مشابه^۱ می‌توان اشاره کرد که حداقل رابطه با معنای

۱. سایر موارد مشابه عبارت‌اند از: نساء: ۱۱ و ۲۳؛ مانده: ۱۷ و ۷۵ و ۱۱۶؛ اعراف: ۱۵۰؛ نحل: ۷۸؛ مریم: ۲۸؛ طه: ۳۸ و ۴۰ و ۹۴؛ مؤمنون: ۵۰؛ نور: ۶۱؛ قصص: ۷، ۱۰ و ۱۳؛ لقمان: ۱۴؛ احزاب: ۴ و ۶؛ زمر: ۶؛ احقاف: ۱۵؛ نجم: ۳۲؛ مجادله: ۲؛ در یک مورد هم در معنای مادر اما کنایه از جایگاه به کار رفته است ﴿فَأُمَّهُ هَاوِيَةٌ﴾ (قارعه: ۹).

پایه از جهت رجوع افراد به مادرشان مورد توجه بوده است. از دیگر موارد بیرون از موضوع پژوهش، استعمالات همین واژه در معنای «منسوب به مادر» به معنای بی سواد در آیاتی همچون ﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (بقره: ۷۸) و موارد مشابه^۱ هستند. معنای «ام الكتاب» در آیاتی همچون: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾ (آل عمران: ۷) و نیز معنای «مقابل و پیش رو» در آیه شریفه ﴿لِيَفْجُرَ أُمَّامَهُ﴾ (قیامت: ۵) از دیگر موارد هستند که به دلیل کاستی ارتباط معنایی، بیرون از مسئله پژوهش هستند. این گونه موارد را در مجموع می توان در ۳۷ آیه از قرآن خلاصه کرد و لذا ۷۱ مورد از مشتقات ریشه «ام م» در میدان معنای مورد نظر باقی می ماند که غالباً به صورت اسم «امت» یا جمع آن یعنی «امم» و یا امام بر وزن فعال به معنای مفعول یعنی کسی که به او اقتدا می شود (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۴/۶) و یا جمع آن یعنی ائمه (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۴/۶) هستند. از آنجا که هیئت فعل برای اسناد است، استعمال نشدن واژه به صورت فعل، می تواند در قرآن نشانه آن باشد که نسبت دادن و اسناد در مشتقات صرفی «امت» لحاظ نشده است.

هـ میدان معنایی اُمت در قرآن

از جمع آوری و مقایسه استعمالات قرآنی «امت»، چند لایه معنایی، به دست می آید. اولین لایه را می توان «جمعی از افراد دانست که به واسطه نسبتی خویشاوندی یا ارتباط کاری» به آنها «امت» گفته شده است. نمونه نسبت خویشاوندی در آیه شریفه ﴿وَ قَطَعْنَا لَهُمْ اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اُمَّمًا﴾ (اعراف: ۱۶۰) است که هر دسته از نوه های حضرت یعقوب که به یک فرزند ایشان منسوب بودند و تیره ای منشعب از آن فرزند (امت) شمرده شدند و نمونه ارتباط کاری نیز در آیه شریفه ﴿تَتَّخِذُونَ اٰيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ اَنْ تَكُوْنَ اُمَّةٌ هِيَ اَرْبٰى مِنْ اُمَّةٍ﴾ (نحل: ۹۲) است که امت به «گروهی که قسم های دروغین را وسیله برای ثروتمند شدن و برتری یافتن خود بر گروه های دیگر قرار می دهند» یا در آیه شریفه ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اُمَّةً مِّنْ

۱. سایر موارد مشابه عبارت اند از: آل عمران: ۲۰ و ۷۵؛ اعراف: ۱۵۷ و ۱۵۸؛ جمعه: ۲.

۲. سایر موارد مشابه عبارت اند از: رعد: ۳۹؛ قصص: ۵۹؛ شوری: ۷؛ زخرف: ۴.

النَّاسِ يَسْقُونَ ﴿ (قصص: ۲۳) به «کار مشترک آبدادن گوسفندان» گفته شده است. وجه قرارگرفتن این گونه استعمالات در لایه اول، آن است که جماعت بودن و نسبت خویشی یا کاری آنها محسوس و مورد تصدیق بوده است به طوری که نیاز به فرهنگ سازی شریعت ندارند. لایه دوم در این میدان معنایی، با ارزشگذاری فعالیت های این گروه ها صورت گرفته است. آیاتی همچون: ﴿وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ﴾ (اعراف: ۱۶۸) و ﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَدِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا﴾ (اعراف: ۱۶۴). از این قبیلند که با کاستن جنبه حسی و افزودن جنبه فکری و بینشی لایه دوم از معنای «امت» یعنی جماعتی که در هدف و دین (ضوابطی که موجب تفکیک عمل خوب از بد خواهند شد)، تحقق یافته است. اشتراک این جماعت فراتر از روابط خونی و نسبی بوده و عرب نمونه های چنین استعمالی را پیش از اسلام برای «شیوه و هدف و نوع تفکر حاکم بر زندگی اجدادشان» داشته است (زخرف: ۲۲ و ۲۳). تغییر اجتماعی تفکر حاکم بر یک گروه از بت پرستی به خداپرستی، تکمیل این لایه معنایی بوده که از ابتدای خلقت در غیر انسان ها نمونه های تکوینی داشته است. در آیه شریفه ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ﴾ (انعام: ۳۸) تمدن های بزرگ و قوانین شگفت آوری فراتر از تمدن های موجود بشری را به تصویر کشیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۷۴)؛ اما در انسان ها از حد خوراک فراتر رفته و ملاک مقدسی در حیات آگاهانه نیاز داشته تا سعادت و شقاوت هر امت را مشخص نماید (همان، ۷۳). مرحله و تدریجی بودن ویژگی انسانی حرکت به سوی سعادت است؛ لذا در تفسیر آیه ۴۸ سوره مائده، آمده: «خداوند می تواند همه مردم را امت واحدی قرار دهد و همه را پیرو یک روش و سبک زندگی سازد، ولی با تدریجی بودن تربیت و مراحلش ناسازگار بود زیرا استعدادهایی که خداوند به بشر داده بوسیله آزمایش و در سایه آموزه های پیامبران پرورش خواهد یافت (لیبلوکم فیما آتاکم). اینکه با گذر از هر مرحله، گام بعدی برداشته شده و سطح عالی تری با پیامبر جدید به وجود می آید مثل مراحل تربیت نوجوان است؛ لذا خداوند همه امت ها را دعوت نموده تا به جای اختلاف، روش واحدی را پیش گرفته و در خوبی ها از هم سبقت گیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۳۵۲) یعنی امت واحد نیازمند روش واحد است که هدف پیامبران می باشد.

اهتمام قرآن به لایه دوم از معنای «امت» تا حدی است که وقتی فردی در مقابل گروهی بر دین و ارزش های خود مقاومت کند، او را مصداق امت می داند. نمونه اصلی آن در قرآن، حضرت ابراهیم

است: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً﴾ (نحل: ۱۲۰). او امتی بود که فقط یک فرد داشت مثل اینکه راجع به یک فرد بگویند او به تنهایی یک قبیله است (راغب، ۱۴۱۲: ۸۶). جهت امت شدن ایشان این بود که کسی جز او بندگی خدا نمی کرد و اگر کسی دیگری بود در این آیه به او اضافه می شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۴۳) و چون ملاک امت را داشته و عمل امت را در عصر خویش انجام داده یعنی دائما مطیع خداوند بوده و در پیمودن راه حق و اسلام تعادل داشته و در صف مشرکین قرار نگرفته، امت به حساب آمده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹/۲۸۸). تلقی یک فرد به عنوان «أُمَّت» نه تنها خروج از ضوابط لغت نیست که از مفاهیم ژرف قرآنی است. صدور جمله ای خلاف معمول از لسان حکیم، نشان از عمق آن تعبیر است؛ چنان که در تفسیر این جمله آمده است: «شعاع شخصیت و عظمت حضرت ابراهیم بیشتر از یک فرد و دو فرد بود و معادل یک امت بود؛ او رهبر و معلم انسانیت بود و چون چنین رهبری برای یک قوم در اعمال خوب همه افراد آن قوم شریک و سهیم است گویی یک امت است؛ وقتی در محیطی که همه با هم امت شرک شده بودند یکی استقامت کرده و موحد باشد او را امت توحید گویند و الا نمی توانست در مقابل آن امت شرک مقاومت کند؛ در اشعار عرب نیز می خوانیم: «لیس علی الله بمستنکر؛ أن یجمع العالم فی واحد»: از خداوند عجیب نیست؛ که جهان را در انسانی جمع کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۴۴۸). مؤیدات روایی این فرهنگ قرآنی زیاد است از جمله: روایاتی که نشان داده عبدالمطلب به خاطر اعتقادات توحیدیش ارزش پادشاهان و چهره انبیاء را داشته و در روز قیامت به صورت یک امت محشور می شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۴۷) و نیز روایتی که پیامبر سخاوتمندترین مردم بعد از خودش را کسی دانسته که علمی را بیاموزد و در میان مردم منتشر کند که موجب می شود روز قیامت به صورت یک امت محشور گردد (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱/۱۴). روایتی که پیامبر دستور به دعا و طلب مغفرت برای زید داده و عمل او موجب شده تا روز قیامت به شکل امت واحد محشور شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/۲۰۰) از شواهد دیگر این فرهنگ دینی است تا نشان دهد تمرکز در لایه دوم معنا جمعیت نبوده بلکه روش زندگی و و دین است. اگر در روایات هم اشک یک نفر، رحمت الهی را بر تمام اُمت آورده (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۴۸۲) یا برای اشک بر سیدالشهداء ثواب های بزرگ گفته شده (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۰) اشکی است که صرف بیان احساس نبوده و جنبه سیاسی و مقابله اسلام با قدرت های بزرگ مقصود است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶/۳۴۳). در لایه دوم معنایی، در مقابل امت خداپرست، اُمت هایی قرار می گیرند که گناهکار بوده و همدم ها و دوستانی شیطانی، لذت های حال و آینده را برای آنها زیبا و خوشایند جلوه داده و از این راه، دچار زبانی سخت شوند: ﴿وَقَيِّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ

أَيَّدِيهِمْ وَ مَا خَلَقَهُمْ﴾ (فصلت: ۲۵) چنین سنتی برای امت حق وجود نداشته و واقع‌نمایی کارهایشان مورد غفلت قرار نمی‌گیرد.

۱. تکمیل میدان معنایی با همنشین‌های اُمت

موقعیت و همنشین‌هایی که در معنا متفاوت اما مرتبط با کلمه کانونی هستند واژه «اُمت» را به مجموعه بزرگتری وارد می‌کند که با نظام‌بخشی به روابط مفهومی در این موقعیت‌ها می‌توان به تکمیل میدان معنایی مورد نظر پرداخت. همنشین‌های اُمت را می‌توان به دو دسته کلی «وصفی» و «ابزاری» تقسیم نمود. مراد از همنشین‌های وصفی آن دسته از واژگانی است که در سیاق واحدی در کنار «اُمت» استعمال شده و ویژگی خاصی از آن را بیان کرده‌اند. چنان‌که مراد از همنشین‌های ابزاری آن دسته از واژگانی است که در سیاق اُمت به کار رفته و به‌عنوان وسیله دستیابی به یک هدف یا زمینه‌ساز تحقق اثر و کاری در امت، رابطه معنایی برقرار کرده‌اند.

۱/۱. همنشین‌های وصفی اُمت

واژه «اُمت» در قرآن متصف به ویژگی‌هایی است که گاه به توصیف «اُمتِ الگو» و گاه به توصیف «مطلق اُمت» پرداخته است. برخی از ویژگی‌های اُمت الگو عبارت است از:

متعادل بودن: قرآن اُمت مطلوب را اُمتی متعادل ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾

(بقره: ۱۴۳) و مقتصد ﴿مِنْهُمْ أُمَّةٌ، مُّقْتَصِدَةٌ﴾ (مائده: ۶۶) معرفی نموده است؛ این دو وصف که قرابت معنایی دارند الگویی متوازن برای امت حق معرفی کرده‌اند. لازمه وسط‌بودن، اعتدال اطراف نسبت به شیء وسط است؛ لذا «وسط» به «عدل» معنا شده یعنی خداوند امت اسلام را اُمتی متعادل قرار داده است (عسکری، بی‌تا، ۳۰۴). «مقتصد» نیز اُمتی است که در امر دین و تسلیم فرامین، افراط و تفریط نکرده و متعادل عمل می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸/۶). رهبر معظم انقلاب در این آیه، وسط را در مقابل انحراف دانسته و آورده‌اند:

«اُمت وسط خصوصیت جامعه اسلامی است؛ راه وسط، همان راه اسلام است...؛ راه موفقیت

این کشور و این ملت عبارت است از راه اسلام، پایبندی به مبانی اسلام، پایبندی به ارزش‌های اسلامی...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۵/۱۲: بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری

اسلامی ایران)؛ اسلام، طرف‌دار میانه و طرف‌دار «وسط» است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً

وَسَطًا﴾؛ اما «وسط» در اسلام چیست؟ در مقابل تندرو است؟ نه؛ «وسط» در مقابل منحرف

است: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۶؛

کلینی، ۱۴۰۷: ۶۸/۸)؛ راه میانه یعنی راه مستقیم، راه جاّده است؛ اگر از این راه مستقیم منحرف شدید، این غیر میانه است؛ اما در جاّده، بعضی‌ها تندتر و بعضی‌ها کندتر می‌روند. تندرفتن در صراط مستقیم چیز بدی نیست؛ «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»؛ (اما) در ادبیات سیاسی آمریکا و انگلیس و امثال اینها، معنای تندرو و میانه‌رو این است: تندرو کسی است که پایبند انقلاب است، میانه‌رو کسی است که در مقابل خواسته‌های آنها تسلیم است (حسینی خامنه‌ای، ۵/۱۲/۱۳۹۴: دیدار با مردم نجف آباد).

وحدت و اتحاد: در امت مطلوب قرآنی، آحاد مردم متحد هستند؛ خواه در امور مشترک امت‌ها

مثل «اجتماع و اتحاد بر استفاده از اسباب دنیوی در دستیابی به نعمت‌ها» که در آیه شریفه ﴿وَلَوْ لَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقُفًا مِّن فِصَّةٍ﴾ (زخرف: ۳۳) اشاره شده و نشان داده که در اراده خداوند همه مردم اعم از مومن و کافر

یکی هستند. خواه در امور اختصاصی به امت حق، چنان‌که در آیه شریفه ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُون﴾ (انبیاء: ۹۲)^۱ آمده است. وحدت و همبستگی اختیاری امت

حق وقتی معنا پیدا می‌کند که پس از اختلاف و تفرقه اولیه باش. عامل این وحدت‌بخشی پیامبران بوده‌اند (بقره: ۲۱۳؛ یونس: ۱۹)؛ توضیح آنکه انسان که فطرتاً اجتماعی است در ابتدا اتحاد و همبستگی داشته و سپس به‌حسب آنچه در فطرتشان است برای برخی نیازها و مزیت‌های زندگی، میان‌شان اختلاف درست می‌شود که لازمه زندگی اجتماعی آنهاست و اسلام با وضع قوانین تعادل را ایجاد کرده و اختلافات را برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی و نیز بهره‌مندی مادی و معنوی برطرف می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۲/۲). کشش فطری به‌سوی شریعت مستلزم احساس نیاز به آن است که حکمت وجود اختلاف‌هاست و اگر خداوند می‌خواست می‌توانست از اول هیچ اختلافی میان امت‌ها پیش نیاید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾ (هود: ۱۱۸)؛^۲ در حالی که وحدت، میوه تلاش امت بعد از اختلاف‌هاست.

اجل: یکی از ویژگی‌های مطلق امت‌ها اعم از کافر و مومن، اجل و عمر است؛ یعنی همان طور که افراد امت، عمر و اجل مشخص دارند امت‌ها هم عمر و اجل ثابت دارند: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ

۱. شبیه این مضمون در آیه ۵۲ سوره مؤمنون آمده است.

۲. شبیه این مضمون در آیه ۹۳ سوره نحل و آیه ۸ سوره شوری آمده است.

فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿۳۴﴾ (اعراف: ۳۴).^۱ مرگ و اتمام عمر یک امت، قانونی طبیعی محسوب می‌شود که در تفسیر این آیه مورد توجه قرار گرفته است: «در این آیه خداوند به یکی از قوانین آفرینش یعنی فنا و نیستی ملت‌ها، اشاره می‌کند یعنی ملت‌های جهان همانند افراد، دارای مرگ و حیاتند، ملت‌هایی از صفحه روی زمین برچیده می‌شوند و به جای آنها ملت‌های دیگری قرار می‌گیرند، قانون مرگ و حیات مخصوص افراد انسان نیست بلکه اقوام و جمعیت‌ها و جامعه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. با این تفاوت که مرگ ملت‌ها غالباً بر اثر انحراف از مسیر حق و عدالت و روی آوردن به ظلم و ستم و غرق شدن در دریای شهوات و فرو رفتن در امواج تجمل‌پرستی و تن‌پروری می‌باشد. بررسی فنای تمدن‌هایی همچون تمدن بابل و فراعنه مصر و قوم سبا و کلدانیان و آشوریان و مسلمانان اندلس و امثال آنها، این حقیقت را نشان می‌دهد که در لحظه فرا رسیدن فرمان نابودی که بر اثر اوج گرفتن فساد صادر شده بود، حتی ساعتی نتوانستند پایه‌های لرزان حکومت‌های خویش را نگاه دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵۷/۶).

حشر بعد از مرگ و قبل از قیامت (رجعت): «رجعت گروهی» از دیگر ویژگی‌های مطلق امت‌هاست؛ بنا بر نظر برخی مفسران که مراد از حشر در آیه ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ (نمل، ۸۳) حشر بعد از مرگ و قبل از قیامت است؛ چراکه در قیامت همه امت‌ها به تمامه حاضر می‌شوند نه گروهی از یک امت (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۰۳/۳)؛ لذا رجعت از جمله ویژگی‌های امت‌ها خواهد بود که ملاکش عمل مشترک آن گروه است. **قیام و تلاوت و سجده:** از ویژگی‌های امت حق، آن است که هر چند در میان اهل کتاب باشند اما به خاطر برخی ویژگی‌ها، خداوند آنها را جداساخته و امت اهل ایمان را به آنها منسوب نموده است. در آیه شریفه ﴿أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۱۳) گروهی از اهل کتاب امتی هستند قائم و شب‌زنده‌دار که در میانه شب آیات خدا را تلاوت کرده و سجده بر خداوند را حالت دائمی خود قرار داده‌اند. سه ویژگی شب‌زنده‌داری و تلاوت قرآن و سجده که به‌طور معمول توسط بخشی از جامعه یعنی خواص صورت می‌گیرد و باقی تابع آنها می‌شوند، حلقه محدودی از امت را نشان می‌دهد که به دلیل اهمیتشان، معنون به امت شده‌اند.

۱/۲. همنشین‌های ابزاری امت

۱. آیات دیگری که دلالت بر این مضمون دارند: (یونس: ۴۹) و (حجر: ۵)، (مؤمنون: ۴۳).

همنشین‌ها گاهی فراتر از توصیف، نقش ابزاری داشته و وسیله تحقق یک عمل یا اثر یا عامل رسیدن به یک هدف هستند چنان‌که همنشین‌های ابزاری امت، وسیله بهره‌مندی جامعه از برخی مزایا و رسیدن به برخی اهداف شده‌اند. برخی از این همنشین‌ها عبارتند از: لعن، جدل، دعوت و امر و نهی، شهادت، کتاب، تزئین عمل، بعثت و رسالت و باسء هستند. تحلیل معناشناختی رابطه این‌گونه از همنشین‌ها با امت، نشان از حقیقتی دارد که گاه امت در آنها نقش فاعلی داشته و گاه نقش مفعولی به خود می‌گیرد.

۱/۲/۱. همنشین‌های ابزاری امت در نسبت فاعلی

قرآن به تناسب حق یا باطل بودن امت‌ها، نقش‌های فاعلی خاصی در به‌کارگیری همنشین‌های ابزاری امت بیان کرده است. اُمم باطل در دنیا از «جدل کردن» برای تکذیب رسولان الهی و از بین بردن حق و تسلط باطل بر حق استفاده کرده‌اند ﴿وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ، لِيَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ﴾ (غافر: ۵)^۱ و در روز قیامت، ندای سوءسرپرستی متولیان‌شان را سر داده و با استفاده از «لعن کردن» درخواست عذاب مضاعف برای آنها نموده‌اند؛^۲ ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا﴾ (اعراف: ۳۸).

امت‌های حق نیز ابزارهایی دیگری داشته‌اند؛ دعوت کردن به سوی کار خیر و امر و نهی بر اساس دستورات دین در آیه شریفه ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۴) نقش فاعلی امت حق را این‌گونه نشان داده که جامعه صالح برای حفظ فطرت انسانی و هدایت آن به سوی فلاح و رستگاری از ابزار دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌کند. به‌کارگیری این ابزارها مانعی برای فراموشی دستاوردهای علمی و عملی یک جامعه است: «معلوماتی که انسان در طول زندگی برای خود و رفع نیازش آماده کرده اگر مورد تذکر و یادآوری نباشد از بین می‌رود و جامعه صالح که علم نافع و عمل صالح نزد اوست محافظ و مراقب این معرفت است تا امت از مسیر صحیح تخلف نکند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۲/۳). به‌کارگیری این ابزار تشویق الهی و

۱. مورد مشابه در (عنکبوت: ۱۸) آمده است.

۲. در این آیه از متولیان تعبیر به اُخت شده تا نشان دهد همان طور که یک خواهر رسیدگی امور فرد را در دنیا می‌تواند به عهده گیرد اینان سرپرست امت‌ها بودند.

برگزیده شدن امت را به دنبال دارد: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ (آل عمران: ۱۱۰).
 ۱/۲/۲. همنشین های امت در نسبت مفعولی

قرآن نوع دیگری از همنشین های ابزاری را که نقش مفعولی دارند در کنار امت به کار برده است. کتاب وسیله ای است که هر امتی به سوی آن دعوت می شود: ﴿كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا﴾ (جاثیه: ۲۸) این دعوت گروهی بر محور کتاب و نامه اعمال، نشان از آن دارد که در قیامت محاسبه جمعی وجود دارد. به کارگیری ضمیر مفرد برای امت و فعل مفرد مونث «تدعی» یا «لَعَنَت» (اعراف: ۳۸) نشان از آن دارد که در کنار حشر فردی، محسورشدن جمعی هم وجود دارد.

شهادت از دیگر همنشین های ابزاری «امت» است که برای نظارت شاهدان الهی بر اعمال امت ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۴۱) و اتمام حجت و نفی عذر آنها ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا تَمُّ لَا يُؤْذِنُ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يَسْتَعْجِلُونَ﴾ (نحل: ۸۴) به کار گرفته شده است.^۲

از دیگر ابزارهای همنشینی که امت نقش مفعولی در آن داشته «تزیین عمل» است ﴿زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ﴾ (انعام: ۱۰۸) و زمینه ساز این زینت بخشی فریبنده، شیطان است که در روز قیامت سرپرستی این گونه امت ها را به عهده دارد: ﴿تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَرِزِينَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهَوَوْا لِيَهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (نحل: ۶۳).

یکی دیگر از همنشین های بسیار مهم، «بعثت انبیاء» است که برای رفع نیاز اساسی امت یعنی «اقامه دین» از آن استفاده شده و امت متأثر از فعالیت انبیاء می شوند. «اجتماعات بشری تا قبل از آمدن پیامبران صاحب شریعت، در حد قبیله و عشیره بوده و شکل گیری آنها از باب نیاز به تولید نسل بوده و با به کارگیری و ریاست فرد قوی تر و شجاع تر و غنی تر زمینه اجتماعات قبیله ای فراهم آمده است. این اجتماعات همیشه در حد قبیله باقی مانده و هرگاه خواسته بالاتر برود دچار نزاع شده اند. شکل گیری امت با آمدن اولین پیامبر صاحب شریعت یعنی حضرت نوح علیه السلام: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ

۱. آیه شریفه ﴿وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (احقاف: ۲۸) نیز به همین معناست.

۲. دو آیه (نحل: ۸۹؛ قصص: ۷۵) از موارد مشابه این مطلب هستند.

الدین ما وصی به نوحا...» (شوری: ۱۳) و با بیان خاصیت و آثار مثبت اجتماع و مصالح دنیایی و اخروی امت بوده است. نکته حائز اهمیت در همنشینی بعثت، راهکاری است که خداوند برای رفع اختلافات و موانع تشکیل امت به آنها نشان داده است. این راهکار همان اقامه دین و تلاش برای وحدت میان امت است: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری، ۱۳). از این رو اقامه دین اساس شریعت در جامعه است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۲/۴). رسالت از مفاهیم قریب بعثت و با همان کارکرد، نقش مفعولی به امت داده است. اثر به‌کارگیری این ابزار، برقراری قسط و دوری از طاغوت «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) است. اتصال رسولان، از یک سو، سنت تحقق متواتر امت‌ها را به تصویر کشیده «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا» (مومنون: ۴۴) و از سوی دیگر سنت مجازات و هلاکت امت‌های تکذیب‌کننده را به دنبال داشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳/۱۵). رسول برای تأثیرگذاری بر امت از ابزار قرائت کلمات وحی «كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتَلَذُّوا عَالِيَهُمُ النَّدَىٰ أَوْ حِينَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ...» (رعد: ۳۰) و انداز (فاطر: ۲۴ و ۴۲) بهره‌جسته و زمینه‌هدایت را فراهم می‌کند. خداوند هم‌گام از ابزارهای تکوینی مثل سختی‌ها و مشکلات برای زمینه‌سازی هدایت رسولان استفاده کرده تا امت‌ها حالت خضوع پیدا کنند «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» (انعام: ۴۲). کما اینکه استفاده از ابزار منسک (قربانی) در هنگام غرق شدن در نعمت‌ها برای یادآوری خداوند و رازقیت اوست «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ» (حج: ۳۴). منسک مصدری^۱ است که کاربردش، تعیین جایگاه هر امت نسبت به امت سابق و رشد و تعالی امت‌های پسین است؛ اما مشرکان با دیدن منسک عصر پیامبر خاتم ص و تفاوت آن با منسک‌های سابق به نزاع با پیامبر پرداختند: «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يِنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادُّعُ

۱. منسک مصدر میمی به معنای عبادت است نه اسم مکان و اگر اسم مکان بود باید می‌گفت: و هم ناسکون فيه (اندلسی، ابوحيان، البحر المحيط فی التفسیر، ۵۳۴/۷).

إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾ (حج: ۶۷) و خداوند با تسلی پیامبرش، آن را نشانه هدایت و تعالی دانسته است.

۱/۳. همنشینی محوری امام

کاستی رفع نیازها از طریق روابط درون یک قبیله و احساس نیاز به توسعه آن به سوی تشکیل «امت»، آحاد جامعه را با ضرورتی مواجه می‌کند که از آن به «امام جامعه» تعبیر می‌شود. گزینش امام توسط امت، ملاک تقابل امت حق و باطل بوده و رجوع هر امت به امام خود، نشانه اهمیت و جایگاه معنای پایه یعنی «رجوع به اصل» است. در استعاره مفهومی «امام امّ (مادر) امت است» بازگشت فرزندان به مادر را می‌توان ریشه شکل‌گیری چنین استعاره‌ای دانست. چنان‌که گذشت استعمالات واژه «ام» خارج از میدان معنایی امت است اما ریشه معنایی آن نشان می‌دهد که مفهوم پایه «رجوع و بازگشت» در مقصود مورد نظر است. کما اینکه مفاهیمی از جمله «رئسی که به او اقتدا شده» و «ریسمانی که بنا برای تنظیم و راست بالارفتن دیوار می‌کشد»، «راه»، «کسی که کار به دست اوست تا درست در آید» از مفاهیم مستعمل فیه امام بوده و معنای پایه را در خود گنجانده است» (فیروزآبادی، بی تا، ۹/۴). اگر در قرآن کتاب را متصف به امام کنند (هود: ۱۷) مربوط به جایی است که کتاب مشتمل بر این معنای پایه باشد و اگر هدایت‌گری از ویژگی‌های امت اسلامی شمرده شده (اعراف: ۱۸۱) در حقیقت به خاطر رجوع امت به امام بوده و این صفت، ویژگی امام جامعه است؛ زیرا هدایت‌گری نقش اصلی امام بوده و بهشت و جهنم آحاد امت بر اساس آن تعیین خواهد شد ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء: ۷۳) ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾ (قصص: ۴۱) (راغب، ۱۴۱۲: ۸۷). چنین امامی وقتی از جانب خداوند مسئولیت هدایت را به عهده دارد هرگز از ظالمین انتخاب نخواهد شد ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴). از این رو در توصیف امام گفته شده: «امام در اصطلاح قرآن و حدیث، یعنی آن کسی که در رأس جامعه قرار دارد و او هر جا بخواهد جامعه را می‌کشد و می‌برد (أئمه يهدون بأمرنا؛ أئمة يدعون إلى النار) (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۷۰). زیرا این هدایت، فراتر از هدایت نبی به معنای ارائه طریق و در واقع نوعی تصرف تکوینی در نفوس و ایصال به مطلوب بوده؛ با آن تصرف راه را برای سوق دادن دل‌ها به سوی کمال و انتقال دادن آنها از موقفی به موقفی بالاتر، هموار می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۴/۱۴)؛ اما اختیار امت هم در این ایصال مؤثر بوده و شرط صبر و یقین را به همراه دارد ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ

أَيُّمَّةٌ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بَيَاتِنَا يُوْقِنُونَ ﴿سجده: ۲۴﴾ که در روایت این دو شرط از دعائم ایمان معرفی شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰/۲). مؤمن اگر به این زندگی دست یابد در حقیقت به وعده قرآن یعنی همان زندگی گوارا دست یافته است (نحل: ۹۷). این زندگی گوارا هم شامل دنیا و هم شامل آخرت است.

جایگاه امام در امت و ارتباط آن با هدف خلقت به گونه‌ای است که هدف نهایی حرکت خواص جامعه ایمانی بوده ﴿وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان: ۷۴) و تشویق شده تا مومن به سوی امام شدن و مورد اعتماد جامعه قرارگرفتن حرکت کند. حکمت این تشویق آن است که بندگان مومن خدا همه باید در صف واحدی باشند و به یک چیز دعوت کنند به همین دلیل امام در این آیه مفرد آمده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۵/۱۵). البته باید دانست که انسان هرگز نمی‌تواند امام شود اما

۱۱۹

قرآن پژوهی

می‌تواند عون و یاور امام در تحقق هدف ایشان باشد؛ یعنی ایجاد جامعه‌ای متحد و دارای اخلاق والا و ساختن دنیایی که مقدمه آخرت است؛ یعنی دنیایی که ناگزیر انسان را به بهشت می‌رساند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۱/۳۱: دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام). یاری امام و تبعیت از او، بسته به شرایط زمان، ممکن است هر یک از دوره‌های امامت را به دنبال داشته باشد؛ خواه دوره صبر، خواه دوره تشکیل حکومت اسلامی، خواه دوره ایجاد تشکیلات پنهانی برای قیام و خواه دوره مبارزه تشکیلاتی با قدرت‌ها و گسترش اسلام حقیقی (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۱۸-۱۴۳). این پیروی و یاریگری، یاری فرزندان به پدر امت برای رشد خانواده امت اسلامی است. مؤید این تحلیل شمارش چهار ویژگی خاص برای معین امام یعنی «ورع، تلاش، عفت، استقامت» (شریف رضی، ۱۴۱۴: نامه ۴۵) و تصریح نبی مکرم اسلام بر این است که جز با تحصیل «ورع و حلم و توانایی اداره و سرپرستی امور» حقیقت امامت به دست نخواهد آمد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱/۴۰۷). امام شدن بنی اسرائیل پس از استضعاف آنها در برهه‌ای از زمان، ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵) مصداقی از حرکت آحاد امت به سوی امامت جامعه است هر چند بعد از اتمام نعمت، علمای آنها به خاطر عدم رعایت حدود و... با هم اختلاف کردند و مصداق عذاب الهی شدند (جاثیه: ۱۶ و ۱۷). امام جماعت، جلوه‌ای از حقیقت امامت بوده و مقام معظم رهبری (حفظه الله) در تبیین آن آورده اند: «این پیشنمازی جزو کارهای ماست؛ جزو وظایف ماست؛ جزو افتخارات ماست.» و «اجعلنا للمتقين اماما» این هم یک نوع امامت برای متقین است که متقین به انسان اطمینان و اعتماد

پیدا کنند. ثواب امام جماعت، نسبت به ثواب مأمومین، در باب نماز جماعت مضاعف است» (حسینی خامنه‌ای، ۲۸/۰۶/۱۳۷۲: بیانات در نهمین گردهمایی سراسری «اُمّته جمعه»).

وقتی امامت جامعه از اهداف آحاد مومنین قرار گیرد دو مسئله اهمیت پیدا می‌کند: مساله اول این است که ایجاد ارتباطات، وسیله مهم رسیدن به هدف خواهد شد؛ چنان‌که آورده‌اند: «یکی از چیزهایی که انسان هدفی پیرامون امام را می‌تواند به مقصد برساند، وجود یک سلسله رابطه‌هایی است که میان امام و افراد و میان افراد با یکدیگر باید وجود داشته باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۳۴۲)»؛ مسئله دوم آن است که فعالیت‌های امام^۱ ملاک اولویت‌بندی امور می‌شود. اهمیت «امام» در تحقق جامعه اسلامی به حدی است که چون حرکت و جهت‌گیری جامعه به سوی حق یا باطل، بر اساس آن شکل می‌گیرد تمام تلاش‌ها معطوف به این امر مهم شده و بر همه چیز اولویت دارد به طوری که اطاعت مردم از امام ظالم غیرالهی موجب عذاب است هر چند آن مردم در کارهای شخصی و فردی خود انسان خوب و باتقوایی باشند و تبعیت مردم از امام عادل الهی (معصوم)، موجب عفو و لطف الهی است هر چند آن مردم در کارهای شخصی اهل اشتباه و خطا هم باشند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۶/۱).

برآیند تأثیر معنایی همنشین‌های امت آن است که، رسیدن به هدف خلقت، یعنی تقرب و عبودیت، نیازمند ظرفی مناسب بوده تا حداکثر استعدادهای او شکوفا گردد. بخشی از این ظرف به صورت تکوینی (اراده تکوینی خداوند) انسان را نیازمند ارتباط با خانواده و قبیله خود قرار داده و بخش دیگر با تکیه بر نیاز فطری برای توسعه این روابط و تأمین نیازهای بزرگتر به صورت اختیاری او را به سوی ایجاد جامعه و تمدن سوق داده است. تلاش‌های بشر برای ارتقای جمعیت همسو، از قبیله به امت، موانعی داشته که جز با ارسال رسل و اقامه قوانین شریعت (اراده تشریعی خداوند) به نتیجه نخواهد رسید زیرا دیگر بزرگان قبیله، نمی‌توانند ضامن جان و مال جمعیتی فراتر از قبیله باشند. از اینرو در هر مرحله از رشد بشری خداوند پیامبری را با شریعت کاملتر فرستاد و ممتازین پیامبران را

۱. در این باره آورده‌اند: امام دو کار انجام می‌دهد: یکی اینکه مکتب دین را که به وسیله پیغمبر ﷺ از طرف خداوند به انسان‌ها ارائه شده و در سطح اجتماع پیاده شده تفسیر کند، در اذهان مردم جامعه آن را پخته کند، با موارد و مصادیق تطبیق کند؛ شغل دیگری که امام دارد این است که باید راه پیغمبر ﷺ را ادامه دهد؛ یعنی پیغمبر ﷺ جامعه‌ای را به وجود می‌آورد و این جامعه را بر مبنای اصول اسلامی بنا می‌کند و حکومت این جامعه را در دست می‌گیرد. باید دنبال سر او امامی بیاید و مردم را به پیش براند و رشد بدهد و جامعه اسلامی را به سوی تکامل و تعالی بکشانند و سوق دهد (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۸۹). بر این اساس، در اصناف مختلف سخت‌ترین و نزدیکترین صنف، روحانیت است که این فعالیت‌های امام را به عهده داشته و سایر مشاغل در جامعه دینی زمینه‌سازی برای تحقق این دو امر مهم تلقی می‌شوند.

برای امامت جامعه برگزید و برای هر امتی اجلی معین فرمود. در حقیقت، اجل، نسبتی است میان امام و امت؛ به طوری که اگر تلاش امت برای اقامه دین، همراه با صبر و یقین و حول اطاعت امام صورت گیرد ایصال به حق و سعادت محقق گردد و در نقطه مقابل، انحراف امت از امام حق، موجب قرار گرفتن در اَمّتِ مقابل یعنی اُمّتی تابع امام باطل شده و این سقوط وقتی است که از تعادل و همدلی و قیام و تلاوت و سجده و دعوت به خیر فاصله گرفته و نامه عمل (کتاب) آخرت فراموش گردد و زمینه سنت تزیین عمل و غفلت از اشتباهات فراهم شود. آثار مترتب بر اُمم، هویتی حقیقی به هر امت داده تا وقتی در کنار مویداتی همچون اسم جمع بودن «امت»^۱ و دلالتش بر مجموع بما هو مجموع نه آحاد افراد، قرار گیرند نشان از آن داشته باشند که هر امتی حقیقت و اثری مستقل از آحاد و افراد زیر مجموعه اش دارد.

۲. تکمیل میدان معنایی با جانشین‌های اُمّت

یکی از راهکارهایی که در کشف میدان معنایی قرآن مؤثر است یافتن جانشین‌های موجود در یک میدان معنایی است. برای کشف رابطه جانشینی، دسته‌بندی مفاهیم بر اساس شباهت موجود میان معانی مرتبط با واژه، صورت می‌گیرد. همگونی برخی مفاهیم موجب می‌شود تا واژه‌های معادلشان، قابلیت جانشینی پیدا کرده و ذهن با حاضر شدن هر یک، دیگری را تداعی کند: «این واژه‌ها در حقیقت به یک نظام منسجم زبانی تعلق دارند که کاربران هر زبان در حافظه خود دارند» (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۳۲). روابط جانشینی، دلالت بر هم معنابودن واژه‌ها ندارد بلکه نشان می‌دهد مفاهیم مرتبط با یک واژه از نظر معنایی بر یکدیگر تأثیر مستقیم می‌گذارند. از این رو در بررسی جانشین‌های هر واژه، تحلیل دقیق معنایی آن، فراتر از همنشین‌ها، مورد نیاز است. جانشین‌های اُمّت عبارتند از:

ملت: نزدیکترین جانشین برای «امت» واژه «ملت است که ۱۷ بار در قرآن به کار رفته است، در تحلیل واژه ملت نباید میان برداشت معاصر و معنای قرآنی آن خلط شود. در ادبیات معاصر هرگونه مفهوم «ملی» زیر مجموعه ملت است از جمله: دفاع ملی، منافع ملی، حاکمیت ملی که مؤلفه‌های اساسی دولت و کشور بوده و جنبه سیاسی - حقوقی دارد در حالی که در امت، جنبه اسلامی و دینی

۱. امت اسم جمع است و هیئت اسم جمع به جای «جمع یا اسم جنس، میتواند نشان از فرقه‌ای این نوع استعمال باشد. یکی از فرقه‌ای «اسم جمع» با «جمع» آن است که اگر واژه‌ای جمع باشد (مثل مومنون) موضوع له آن آحادی است که جمع شده اند تا این واژه بر فرد فرد آنها دلالت کند و گویی افراد این جمع، یکی یکی بر هم عطف شده باشند اما اسم جمع برای مجموع بما هو مجموع است تا دلالت آن بر افراد از باب دلالت واحد بر مجموع افراد باشد (نه آحاد یکی یکی) (بدیع یعقوب، ۱۹۸۵: ۶۴).

مورد نظر است. این دو واژه، هم سو و قابل جمع هستند مگر در برخی موارد: «مشکل در هنگام تقابل ملت و امت است که کدام یک بر دیگری مقدم خواهد شد؟ اصالت با امت است اما اگر تقدیم منافع امت اسلام و چشم پوشی از منافع ملی، موجبات تزلزل در ارکان حاکمیت و اساس نظام اسلامی را فراهم آورد، از آنجا که حفظ نظام به تعبیر حضرت امام (ره) مقدم بر همه احکام فرعیه اولیه است، دیگر نمی توان منافع «امت» را بر منافع «ملت» ترجیح داد و تشخیص آن به عهده رهبری و نظارتش بر عهده شورای نگهبان است. در دیگر موارد تعارض هم آنچه از اصل چهارم قانون اساسی به عنوان اصل مادر، استفاده می شود، ترجیح جانب منافع «امت» می باشد. نمونه هایی همچون فرمان قتل سلمان رشدی، بر مبنای منافع ملی غالباً غیر منطقی به نظر می رسند. البته «فراملی» بودن «امت» هرگز به مفهوم «نفی ملیت» و یا ضدیت با آن نیست بلکه «ملت» با همان مفهوم سیاسی - حقوقی خود می تواند در خدمت «امت» قرار گرفته و در راستای اهداف عالی آن، نقش آفرین باشد.» (جمعی از محققین، ۱۳۹۰: ۱۶۶/۱۶). چنین تعارضاتی در تحلیل قرآنی واژه «امت» و «ملت» مشاهده نمی شود و تذکر آن از این جهت بود که تطور و تحول زبان و ایجاد معانی جدید برای لغات نباید ذهن را از مساله اصلی و تحلیل قرآنی دور نماید. ملت در قرآن (آل عمران: ۹۵؛ یوسف: ۳۸) از ریشه املال به معنای نوشتن نامه (بقره: ۲۸۲) است. آیین خداوند هم از این جهت ملت نامیده شده که برای بندگان نوشته شده و بر زبان پیامبران جاری شده است تا وقتی بندگان به آن عمل کنند به مقام قرب برسند. از این رو ملت در قرآن و به معنای دین بوده به اعتبار شریعتی است که خداوند قرار داده و نیز به اعتبار کسی است که آن را اقامه کرده و به آن عمل می کند (راغب، ۱۴۱۲: ۷۷۳). در نتیجه واژه «ملت» غالباً به پیامبری اضافه می شود که آن دین به او مستند است (آل عمران: ۹۵). موارد دیگر نادر است چنان که گاهی به قوم اضافه شده ﴿إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (یوسف: ۳۷)؛ «من آیین مردمی را که به خدا ایمان ندارند رها کرده ام»؛ و گاهی به رسول الله ﷺ که مقصود روش و سنتی است که پیامبر آن را روشن نموده است (صاحب بن عباد، بی تا، ۳۱۸/۱۰).

قوم: واژه قوم علاوه بر همنشینی امت، جانشین پرکاربرد است که در میدان معنایی امت قرار دارد. «قوم» با مشتقات مختلف ۶۶۱ بار در قرآن به کار رفته که ۳۸۳ بار آن به معنای «گروهی دارای اشتراکات و روابط» است. معنای به پاخواستن و محافظ و اراده برای ریشه «ق و م» در قرآن قابل جمع با «قوم» به معنای گروه دانسته می شود؛ هرچند در اصل به گروه مردان گفته می شود اما در اکثر موارد شامل زنان نیز هست (راغب، ۱۴۱۲: ۶۹۰)؛ بر همین اساس ابن فارس دو معنای اصلی برای

«ق و م» برشمرده: یکی به معنای گروه و دیگری مربوط به سایر مشتقات به معنای «عزم یا انتصاب» بیان کرده است. «قوم» اسم جمع بوده، اما به اعتبار یک ملاک از قبیل خون، نسب، نژاد، خویشاوندی و تبعیت از یک تن، واحد قلمداد شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۸۵)؛ البته در برخی موارد مراد از «قوم»، «جماعت دارای وجه مشترک» می‌باشد که از این جهت جانشین واژه «امت» می‌شود (بقره: ۵۴؛ آل عمران: ۱۱۷؛ مائده: ۵۸ و...). اما وقتی همنشین «امت» شود، وجوه تمایزی دارد: گاه عام و خاص مطلق و گاه مباین هستند. در آیه شریفه ﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۹) قرآن با احترام به موقعیت اقلیت‌های صالح، نشان داده که در قوم حضرت موسی در برابر اکثریت مفسده‌جو از قوم بنی اسرائیل، اقلیتی صالح وجود داشتند که «دعوت به سوی حق می‌کنند و حاکم به حق و عدالت‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۱۰/۶). این گروه حق طلب که بخشی از قوم حضرت موسی بودند و در مقابل سایر افراد قوم ایستادند امت نامیده شدند. کما اینکه در آیه شریفه ﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا...﴾ (اعراف: ۱۶۴)؛ «امت» و «قوم» مباین هم بوده و مراد از امت، گروهی است که نهی از منکر نمی‌کردند و گناه هم نمی‌کردند و به گروه نهی‌کنندگان می‌گفتند چرا قوم گناهکاران (که جمعیتی زیاده‌تر داشتند) را نهی می‌کنید؟ یعنی در این سیاق، قوم مشتمل بر جمعیت بیشتری نسبت به امت هستند.

عشیره و طایفه: کلمه «عشیره» سومین واژه‌ای است که رابطه جانشینی با امت داشته و به معنای «جمعیتی خویشاوند» است. این واژه سه‌بار در قرآن کریم (توبه: ۲۴؛ شعراء: ۲۱۴؛ مجادله: ۲۲) و در معنای «خویشان مرد» به کار رفته است که به وسیله آنها، نسل مرد زیاد می‌شود (راغب، ۱۴۱۲: ۵۶۷). شدت ارتباط چنین جمعیتی موجب شده تا برخی کتب لغت، گوهر معنایی این واژه را «مداخله و مخالطه» معنا کنند (ابن فارس، بی تا، ۳۲۴/۴) و برخی دیگر آن را از ریشه طوف به معنای چرخیدن دور یک چیز دانسته‌اند که وقتی متعلق آن انسان‌ها باشند به گروهی از آنها گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲: ۵۳۱). از آنجا که گرد هم آمدن این گروه حول غرضی است از ریشه «طوف» استفاده شده است. در آیه شریفه ﴿فَلَمَّا لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ﴾ (توبه: ۱۲۲) طائفه به گروهی گفته شده که برای هدف خاص اقدام به تحصیل علم کرده و احتمال این هست که فعالیتی اجتماعی و تشکیلاتی را رقم می‌زنند. هدف خاص داشتن (تفقه و انداز) و

اقدام گروهی برای رسیدن به این هدف به جای اقدام فردی (من کل فرقه؛ لیتفقوها) از سیاقی که طایفه در آن به کار رفته به دست می‌آید.

حزب: از دیگر واژگان جانشین امت، حزب است. حزب به معنای گروهی است که حول محور یک فرد بوده و بر اساس فکر و خواسته او عمل می‌کنند از این رو مؤمنین را حزب الله و کافران را حزب الشیطان نامیده اند (فراهیدی، بی تا، ۱۶۴/۳). شباهت «رابطه حزب با فردمحوری» به رابطه «امت با امام»، وجه جانشینی حزب برای امت را بیشتر روشن می‌کند.

نسب و صهر: یکی از جانشین‌های امت که به اولویت روابط سببی و نسبی در ایجاد جامعه اشاره دارد، نسب و صهر است. خداوند تبارک و تعالی در آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي يَخْلُقُ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَيَجْعَلُ لَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا﴾ (فرقان: ۵۴) خلقت از آب را ریشه شکل‌گیری این رابطه گروهی دانسته است. در این باره امتداد نگاه فلسفی را در سخن برخی مفسران می‌توان مشاهده نمود: خلقت انواع بشر و تعدد و تفرق آن از شیء واحدی به نام آب در این آیه نشان می‌دهد که تفرق را در عین اتحاد محفوظ نگاه داشته است (کثرت در عین وحدت) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۹/۱۵). اشتراک معنوی «نسب و صهر» با لایه اول معنایی «امت» اماره‌ای برای جانشینی این دو است.

شعبه و قبیله: شعبه شعبه‌شدن و قبیله‌ای بودن روابط مردم جهت مهمی از محور مشترک یک جمعیت است. استفاده از این دو واژه در آیه ﴿جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات: ۱۳) و به کارگیری لام تعلیل در قسمت انتهایی آیه، نشان می‌دهد: «اینکه خداوند از پدر و مادر واحد قبائل مختلف به وجود آورد برای فخر فروشی نبوده بلکه برای شناختن حقیقت مشترکتان بوده تا اجتماع بشری به وجود آید زیرا تا شناخت نباشد همکاری و وحدت به وجود نمی‌آید؛ پس علت اختلاف داشتن مردم با هم این نیست که یکی دیگری را کوچک شمرده و بیماری سخت و بدون داروی روحی و روانی درست کند بلکه برای این است که تحقق جامعه و اتحاد آنها داروی شفابخش باشد. البته آحاد جامعه بر اساس تقوا از هم تمایز داده شده ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ و درجه‌بندی می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۶/۱۸). اشتراک معنوی «شعبه و قبیله» با لایه اول معنایی «امت» اماره‌ای برای جانشینی این دو است. حاصل این جانشینی معنایی آن است که در جامعه اسلامی «اختلاف تکوینی، زمینه وحدت تشریحی و ارزشگذاری صحیح بر اساس تقواست. **واژگان مشیر به جامعه:** با کمی مسامحه احتمال آن می‌رود که از جمله جانشین‌های مفهومی برای امت، آیاتی است که مفهوم اجتماع را دربردارد و به تعبیری «مشیر به جامعه» هستند این آیات

مجموعه مؤمنین یا مسلمین را خطاب قرار داده و ناظر به آنها سخن گفته‌اند. این احتمال در برخی آیات قوت بیشتری دارد: در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰)، خداوند اهل ایمان را به صبر و سفارش به صبر و ارتباط با یکدیگر و تقوا امر کرده است. اطلاق امر به صبر، شامل «صبر بر شدائد، صبر در اطاعت و صبر بر ترک معصیت می‌شود. مصابره به این معناست که صبر برخی افراد جامعه موجب می‌شود تا دیگران هم صبر کرده و مشکلات را تحمل کنند. در کنار هم فرارگرفتن صبرها و همدیگر را به صبر فراخواندن، جامعه را قوی کرده و تأثیر آن چند برابر صبر هر فرد به تنهایی خواهد شد زیرا در صبر اجتماعی، نیروها تقویت می‌شود. امر به «رابطوا» هم اعم از مصابره بوده و به معنای این است که افراد با هم جمع و روابطی را ایجاد کنند که در تمام شؤون زندگی دینی آنها، خواه در سختی‌ها و خواه در خوشی‌ها توانشان بیشتر شود و بدون این کار سعادت کامل در زندگی به دست نخواهد آمد لذا اینکه در پایان آیه بعد از این چند امر، آمده است ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ مراد سعادت مطلوبی است که در سایه این رابطه موثر اجتماعی حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۱/۴). در جای دیگر وقتی سخن از منافقان به میان می‌آید آنها را از جنس هم (نه صمیمی و متحد با هم) می‌خواند (توبه: ۶۷)؛ اما وقتی سخن از مؤمنان و مؤمنات آمده آنها را به هم پیوسته و متحد و صمیمی دانسته است (توبه: ۷۱) این اتحاد و همدلی به جامعه ایمانی اختصاص دارد. تأثیر رابطه جانشینی «مفاهیم مشیر به جامعه» با «امت» در جایی روشن می‌شود که برخی زوایای میدان معنایی مثل «مضاعف شدن توان جامعه در اثر فعالیت هر یک از افراد» در این گونه جانشین‌ها روشن شده است.

۳. تکمیل میدان معنایی با مفاهیم متقابل

تقابل گاه به معنای ضد و نقیض بوده و گاه به معنای تمایز است که در اینجا معنای دوم مراد است که گاه به تضاد هم می‌انجامد. متقابل‌ها، مفاهیمی هستند که در مقابل یک مفهوم قرار گرفته و تأثیر زیادی در کشف حدود میدان معنایی دارند. برخی تقابل‌های معنایی چندان نیاز به تحلیل ندارند مثل تقابل قیام و قعود؛ اما تقابل‌هایی که حاصل یک فرهنگ‌سازی دینی است و به‌طور کلی در تطور و تحول زبان ایجاد شده‌اند پیچیده‌گی بیشتری داشته و نیازمند تحلیل دقیقتر هستند. تقابل فرد و جامعه از این گونه موارد است. آیه شریفه ﴿كُلَّ يَوْمٍ يَخْرُجُ مِنْهَا شَرِّفٌ كَارِهُ بَطِلٌ﴾ (اسراء: ۸۴) که ظهور در توجه به فرد داشته و او را از دیگران جدا و ممتاز کرده است از این موارد است. در لسان روایات این شاکله به معنای نیت بوده (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶/۲) و در تفسیر آن آمده «انسان‌ها خلقت مشترک و

یکسانی دارند و نفوس انسانی در آغاز و پیش از کسب ملکات، اختلافی با هم ندارند؛ اما در اثر رسوخ ملکات، شاکله‌های مختلفی پیدا می‌کنند که هر يك اقتضای اعمال خاصی را دارد» (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۳/۱۸۹). از نظر اسلام، همه انسان‌ها پیش از رسوخ ملکات مختلف در جان آنها و در بدو تولد، دارای هویتی مشترک و همیشگی و فراگیر و درونی هستند. خداجویی، خداپرستی، عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی، خیرخواهی، کمال‌جویی، زیبایی‌خواهی و فضیلت‌طلبی، بخشی از گرایش‌های مشترک فطری همه انسان‌ها می‌باشد. لذا شاکله امری عارضی است و نه فطری! این امر عارضی، مربوط به آحاد امت است نه مجموع آن؛ اما متأثر از زمینه‌سازی‌های اجتماعی و فرهنگ‌سازی‌هاست؛ اگر رابطه اعضای جامعه رابطه ایمانی و خدایی باشد فطرت‌ها به‌گونه‌ای رشد می‌کند که شاکله‌ها هم‌سو شده و هر فرد هم‌سو با عمل دیگری به جامعه‌ای ایمانی خواهد گرایید و الا چنین نخواهد بود. آیه شریفه ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء: ۳۶) نیز فرموده: هر فرد مسئول گوش، چشم و قلب است. این مسئولیت فردی نشان می‌دهد که عمل هر یک از افراد مستقل از دیگری مورد سؤال قرار می‌گیرد. تطبیق فهم اجتماعی بر صدر آیه یعنی «عدم جواز تبعیت از غیر علم»، ضرورت علم به احکام اجتماعی را نشان داده که مجموع افراد در این حکم مورد سؤال قرار می‌گیرند. جمله قرآنی ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (انعام: ۱۶۴؛ اسراء: ۱۵؛ نجم: ۳۸) نیز در مقام بیان آن است که کسی حق ندارد مسئولیت را از گردن خویش برداشته و به عهده پدران خویش بیاندازد. و اینها وقتی قرار است از ناحیه تقابل فرد و جامعه بررسی شود باید در کنار آیات امت که بسیار زیادند قرار گیرد. در این صورت مراد از آنها نه تنها نفی بُعد اجتماعی نبوده که اهمیت فرد را در کنار اهمیت جامعه دانسته و مسئولیت اجتماعیش را پررنگ خواهد کرد.

برآیند تحلیل تقابل معنایی این است که قرآن به آحاد جامعه توجه مستقل داشته اما قابل جمع با استقلال جامعه و ترتب آثار مستقل بر مجموع افراد است. اهمیت‌ندادن به حقیقت جامعه، فرد را دچار زیغ می‌کند. زیغ و انحراف در دین نه آن‌گونه که با چشم غیر مسلح (بدون بصیرت) دیده شود بلکه بسیار نامحسوس اتفاق می‌افتد و از دل فردگرایی، پوچ‌گرایی و هرج‌ومرج و از دل حاکمیت فرد انسانی، نفی حاکمیت الهی که ناشی از فریب‌کاری‌های سلطه‌گران است بیرون آید و دین را به حاشیه برده و عقل هواپرست را تصمیم‌گیرنده در جامعه و حاکم بر انسان‌ها خواهد کرد. کما اینکه جامعه‌گرایی افراطی که فرد را هیچ انگارد زمینه سوء استفاده زورگویان را در تاریخ فراهم ساخته است.

نتیجه گیری

کشف میدان معنایی «امت» در قرآن، نظامی جامع به دست داده و نشان می دهد در سیر تدریجی تمدن اسلامی، ابتدا برای انگیزه تلاش برای ایجاد روابط اجتماعی، شرایط تکوینی خویشاوندی فراهم شده است تا مادر و فرزند و همسر و شوهر و ... بر اساس نیازهایشان از فرد فراتر رفته و به جمعیت های کوچک بگروند. این جمعیتها به دلیل نیازهای بعدیشان، متوجه ضرورت حرکت به سوی جمعیت های بزرگتر شده و همین امر زمینه ساز ارسال رسل و صدور دین و شریعت گردید. با ورود دین به عرصه زندگی اجتماعی، روابط میان افراد از مقوله جمعیتی و خونی به یک مقوله فرهنگی حول محور شریعت (نه صرفا جمعیتی با یک کار مشترک) تغییر و توسعه یافت. ضرورت اقامه دین در واقع سعادت اخروی را به سعادت دنیوی بشر اضافه کرده و زمینه شکل گیری لایه سوم از مفهوم امت، بدون تغییر معنای کانونی «اجتماع بر دین واحد» فراهم نموده و هم نشین مهم «امام» را در مرجعیت فرهنگی امت، تکمیل نموده است. نکته قابل توجه در این میدان معنایی آن است که لایه اول یعنی «اجتماع دارای رابطه خونی» مشتمل بر معنای تقابلی نبوده و وقتی به لایه دوم «اجتماع دارای دین واحد» و به ویژه لایه سوم یعنی هم نشینی لایه دوم با امام می رسد، تقابل معنایی میان امت حق و امت باطل شکل گرفته و تمام آثار مربوط به هویت حقیقی امت از آن پس مترتب خواهد شد. تبعیت و یابوری امام توسط امت و اولویت دادن به کارکردهای امام در فعالیت های اجتماعی، آنها را از انحراف و سلطه کفر رهانیده و زمینه شکوفایی استعداد های آنها و روابط صحیح جامعه انسانی را در سراسر عالم فراهم خواهد ساخت. توجه به فرایند تحقق امت اسلامی و الگوگیری از تاریخ صدر اسلام، مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی در سراسر عالم را مشخص نموده و هرگونه فعالیتی در این مسیر را گامی به سوی ظهور حضرت حجت؟ عج؟ قرار می دهد.

۱۲۷

قرآن پژوهی

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، بی‌نا، بی‌تا.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶.
۵. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، چاپ چهارم، تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران: بهمن، ۱۳۶۱.
۷. بدیع یعقوب، امیل، موسوعه النحو و الصرف و الاعراب، چاپ دوم، بیروت: دارالعلم الملايين، ۱۹۸۵م.
۸. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، ۱۳۸۸.
۹. جمعی از محققین، فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، قم: دبیرخانه خبرگان رهبری، ۱۳۹۰.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: بی‌نا، بی‌تا.
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سید علی، هم‌زمان حسین، چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰.
۱۲. حسینی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/keyword-print?id>، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۶/۶.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid>، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۶/۶.
۱۴. حسینی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid>، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۶/۶.
۱۵. حسینی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id>، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۶/۶.
۱۶. حسینی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid>، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۶/۶.

۱۷. دیرک گیرتس، (مترجم) کورش صفوی، نظریه‌های معناشناسی واژگانی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۳.
۱۸. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۹. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت: دمشق، ۱۴۱۲ق.
۲۰. رکعی، محمد و نصرتی، شعبان، میدان‌های معنایی در کاربست قرانی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۶.
۲۱. شریف الرضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۲. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
۲۳. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
۲۵. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۵.
۲۶. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالافتاء الجدیده، بی‌تا.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۸. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
۲۹. قائمی نیا، علیرضا، معناشناسی شناختی قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چاپ چهارم، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۳. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.